

پیام یازده

اهمیت ذاتی ترس از خداوند در اقتصاد خدا

مطالعه متون مقدس: امثال ۱: ۱، ۷؛ ۲: ۴-۵؛ ۳: ۵-۱۰؛ ۸: ۱۳؛
۹: ۱۰؛ ۱۰: ۲۷؛ ۱۴: ۲، ۲۶-۲۷؛ ۱۵: ۱۶، ۳۳؛ ۱۶: ۱۶؛ ۱۹: ۲۳

۱. اولین اصل برای این که انسان یک زندگی مناسب داشته باشد این است که از خداوند بترسد، و خداوند را حرمت نهد؛ ترس از خداوند به معنای ترس از رنجاندن او، و از دست دادن حضورش است، و ترس از اینکه او را به عنوان پاداش خود در عصر آینده دریافت نکنیم؛ ما باید از این بترسیم که لبخند خداوند را در این عصر و پاداشش را در عصر بعدی از دست بدهیم - امثال ۱: ۱، ۷؛ افسسیان ۴: ۳۰؛ دوم قرنتیان ۵: ۹-۱۰:

آ. ترس از خداوند بدین معناست که در همه چیز او را در نظر گرفته و مورد توجه قرار دهیم، و هرگز فراموش نکنیم که او همان خدای شگفت انگیزی است که ما را آفریده است (اشعیا ۴۳: ۷)؛ ترس از خداوند، ما را از ارتکاب کارهای شرورانه بازمی دارد؛ آن همچنین باعث می شود که ما تحت تأثیر رنجهای دیگران قرار گرفته و نسبت به آنها رحمت و شفقت داشته باشیم.

ب. ترس از خداوند نه تنها گریختن از گناهان است بلکه همچنین، و حتی بیشتر، رد کردن نفس می باشد؛ ترس از خداوند صرفاً این نیست که از ارتکاب گناه و یا دنیوی بودن بترسیم بلکه از این بترسیم که کارها را از خودمان و نه از خداوند انجام دهیم - متی ۱۶: ۲۴؛ دوم قرنتیان ۴: ۵.

پ. ترس خدا سرآغاز حکمت است، و شناخت آن قدوس، فهم و درک است؛ شناخت [معرفت]، حکمت و فهم از خدا می آید؛ اگر ما از او بترسیم و او را حرمت نهیم، این چیزها دارایی ما خواهند بود - امثال ۱: ۱، ۷؛ ۲: ۴-۵؛ ۳: ۵؛ ۸: ۱۳؛ ۹: ۱۰؛ ۱۰: ۲۷؛ ۱۴: ۲، ۲۶-۲۷؛ ۱۵: ۱۶، ۳۳؛ ۱۶: ۱۶؛ ۱۹: ۲۳.

۲. اشعیا نبوت کرد که روح یهوه - [یعنی] روح حکمت، روح فهم، روح مشورت، روح قوت، روح معرفت، و روح ترس خداوند - بر مسیح قرار می گیرد - اشعیا ۱۱: ۱-۲:

آ. آن روح همواره با خداوند عیسی بوده و با او یک بود؛ او توسط روح گام برمی داشت و یک زندگی در، با، توسط، و از طریق روح داشت؛ اشعیا ۱۱: ۲ نشان می دهد که در زندگی انسانی خداوند، آن روح با کل خواص ذکر شده در بالا، ظاهر شد - لوقا ۴: ۱، ۱۴؛ ۱۰: ۲۱؛ یوحنا ۱: ۳۲؛ متی ۱۲: ۲۸.

ب. عیسی در زندگی انسانی خود، سرشار از روح حرمت و اطاعت ترس از خدا بود؛ او در ترس خداوند خشنود نیز بود؛ او اکنون در رستاخیزش همان روح عیسی مسیح به عنوان ترس از یهوه است که به فراوانی تأمین کننده است و شامل زندگی انسانی و خدمتگزاری غیر قابل توصیف خداوند عیسی می باشد - اشعیا ۱۱: ۲-۳؛ فیلیپیان ۱: ۱۹:

۱. هرگز هیچ انسانی به اندازه عیسی خدا-ترس نبوده است؛ در اجرای خدمتگزاری عهد جدید، خداوند عیسی به ما گفت که او هرگز از خود کاری نکرد (یوحنا ۵: ۱۹)، او کار خود را نداشت (۴: ۳۴؛ ۱۷: ۴)، سخنان خود را نگفت (۱۴: ۱۰، ۲۴)، در پی انجام خواست خود نبود (۵: ۳۰)، و در پی جلال خویش شدن نبود (۷: ۱۸).

۲. عیسی در زندگی خود همه کار را در خدا، با خدا، و برای خدا انجام داد؛ خدا در زیستن او بوده، و او با خدا یک بود؛ این همان واقعیت در عیساست (افسسیان ۴: ۲۰-۲۱)؛ ما باید از خداوند به عنوان روح واقعیت بخواهیم که ما را به واقعیت تجربه حیاتش هدایت کند که سرشار از تسلیم شدن به پدر و اطاعت از او بود (یوحنا ۱۶: ۱۳؛ فیلیپیان ۲: ۵-۱۱).

۳. ما روز به روز باید به طور مطلق و کامل خود را به پدر باز کرده و از او بخواهیم که ما را با مسیح رستاخیز-کرده به عنوان همان روح شامل تمام پر سازد، همان روحی که روح ترس از خداوند نیز هست که شامل زندگی انسانی و خدمتگزاری خداوند عیسی می باشد - لوقا ۵: ۱۱-۱۳.

۳. ترسِ خدا همان اعتماد بر اوست - امثال ۳: ۵-۸، ۲۶؛ ۱۶: ۱، ۹، ۲۰، ۳۳؛ ۱۹: ۲۱؛ ۳۰: ۵-۶:

آ. امثال ۳: ۵-۸ از ما می‌خواهد که با تمام دلمان بر خداوند اعتماد کنیم و بر عقل خویش تکیه نکنیم؛ در همه راه‌هایمان ما باید خداوند را در نظر داشته باشیم، و طریقه‌های خود را راست گردانیم؛ ما نباید خود را حکیم پنداریم؛ ما باید از خداوند بترسیم و از شرارت دوری کنیم؛ این برای بدن ما شفا و برای استخوانهایمان مغز خواهد بود.

ب. «مبارک است آن که بر خداوند توکل [اعتماد] کند، / و اعتمادش بر او باشد [خداوند اعتمادش باشد]. / او همچون درختی نشانده در کنار آب خواهد بود، / که ریشه‌های خویش را به جانب نهر می‌گستراند، / چون گرما فرا رسد، هراسان نخواهد بود؛ / و برگ‌هایش همیشه سبز خواهد ماند؛ / در خشکسالی نیز نگران نخواهد بود / و از ثمر آوردن باز نخواهد ایستاد» - ارمیا ۱۷: ۷-۸:

۱. بر طبق اقتصاد خدا، آن که بر خدا اعتماد کند همچون درختی نشانده در کنار آب، که نمادی از خدا به عنوان سرچشمه آبهای زنده است، خواهد بود - ۲: ۱۳.

۲. یک درخت در کنار رودخانه، توسط جذب غنای آب رشد می‌کند، این تصویری است از اقتصاد خدا، که توسط توزیع او اجرا می‌شود؛ برای دریافت توزیع الهی، ما به عنوان درخت‌ها باید خدا را به عنوان آب جذب کنیم - م. ش. اول قرن‌تین ۳: ۶.

۳. غنای خدای تأمین‌کننده، به درون ما به عنوان درختان، ما را با الوهیت خدا ترکیب کرده و باعث می‌شود با رشدی که از خدا سرچشمه می‌گیرد رشد کنیم (کولسیان ۲: ۱۹)؛ بدین وسیله، ما و خدا یک شده و دارای عنصر، جوهر، ترکیب و ظاهری یکسان خواهیم بود (مکاشفه ۴: ۳؛ ۲۱: ۱۱).

پ. آن که در کلام تأمل کند کامیاب خواهد شد، آن که بر خداوند اعتماد کند مبارک خواهد بود (امثال ۱۶: ۲۰)؛ خداوند مایه اطمینان ما خواهد بود و او پای ما را از دام نگاه خواهد داشت (۳: ۲۶).

ت. کسانی که عاشق خدا هستند، خدا-ترسی را از طریق آمدن نزد خداوند در متون مقدس (۲: ۳-۵؛ یوحنا ۵: ۳۹-۴۰) می‌آموزند؛ به ما فرمان داده شده که به عنوان نشانه ترس از خدا، به کلام خدا بچسبیم و از آن اطاعت کنیم (تثنیه ۶: ۲).

۴. ترس از خداوند به معنای حرمت گذاشتن او نیز هست:

آ. امثال ۳: ۹-۱۰ می‌گوید که ما باید خداوند را با دارایی خود و با نوبرهای همه محصول خویش حرمت داریم؛ آنگاه انبارهای ما به وفور نعمت پر خواهد شد و چرخش‌هایمان از شراب تازه لبریز خواهد گشت.

ب. ما نباید کسانی باشیم که به جهت مال اندوختن برای آینده خود پول درآوریم؛ حداقل یک-دهم یا نوبرهای محصول ما باید به خدا داده شود؛ ما باید همیشه در بخشیدن آنچه خدا به ما داده است سخاوتمند باشیم، این امر خدا را حرمت می‌گذارد - متی ۳: ۷-۱۲؛ دوم قرن‌تین ۹: ۶-۸.

پ. ما باید از خداوند استدعا کنیم که دل ما را واحد گرداند تا از نام او ترسان باشیم؛ «خداوند، راه خود را به من بیاموز، / تا در حقیقت تو گام بردارم. / دل مرا واحد گردان تا از نام تو ترسان باشم» - مزامیر ۸۶: ۱۱.

ت. ما باید «خود را از هر ناپاکی جسم و روح بزدااییم و با ترس از خدا، تقدس را به کمال رسانیم»؛ اینجا ترس از خدا این است که جرأت سر و کار داشتن با اموری که به خدا متعلق نیستند و به او ربطی ندارند را نداشته باشیم - دوم قرن‌تین ۷: ۱؛ ۶: ۱۷.

ث. در ترس مسیح بودن این است که از رنجاندن او به عنوان سر بترسیم؛ این شامل تسلیم یکدیگر بودن ما نیز هست، ما باید با ترس خداوند را خدمت کنیم؛ سپس عاشق خداوند خواهیم بود تا در او شادی کرده و از او مسرت بریم - افسسیان ۵: ۱۸-۲۱؛ مزامیر ۲: ۱۱-۱۲؛ عبرانیان ۱۲: ۲۸.

ج. ما همگی باید به طور شایسته دارای خدا-ترسی باشیم چرا که ما ایمانداران در مسیح در برابر تخت داوری مسیح ظاهر خواهیم شد؛ آنگاه مسیح ایمانداران خود را هنگام بازگشت خود داوری خواهد کرد، این داوری به نجات جاودان مربوط نیست بلکه درباره پاداش آنان در عصر آینده است - دوم قرن‌تین ۱۰: ۵؛ اول قرن‌تین ۴: ۴-۵؛ ۳: ۱۳-۱۵؛ رومیان ۱۴: ۱۰.

چ. ترسِ خداوند بر روزهای عمر می‌افزاید (امثال ۱۰: ۲۷)؛ خدا آنهایی که از او می‌ترسند را دوست دارد، نجات می‌دهد، حفاظت می‌کند، برکت می‌دهد، و تأمین می‌نماید (مزامیر ۱۰۳: ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۸۵: ۹؛ ۶۰: ۴؛ امثال ۱۴: ۲۶-۲۷؛ مزامیر ۱۱۵: ۱۲-۱۳؛ ۳۴: ۹؛ ۱۱۱: ۵).

ح. مثال کسانی که از خداوند می‌ترسیدند شامل نوح (عبرانیان ۱۱: ۷)، ابراهیم (پیدایش ۲۲: ۱۲)، یوسف (۴۲: ۱۸)، داوود (مزامیر ۲: ۱۱-۱۲؛ ۵: ۷)، نحمیا (نحمیا ۱: ۱۱؛ ۵: ۹، ۱۵)، و کلیسای اولیه (اعمال ۹: ۳۱) است.

۵. ترس مقدس از خداوند در واقع یک منشأ از شادی است (مزامیر ۲: ۱۱) به عنوان سرچشمهٔ حیات (امثال ۱۴: ۲۷) و به عنوان درخت حیات (۱۱: ۳۰) برای توزیع خدا به درون ما برای اجرای اقتصاد او:

آ. ترس از خداوند سرچشمه‌ای از حیات است، تا شخص بتواند از دامهای مرگ خلاص شود؛ ترس از خداوند، اعتماد بر خداوند، و پناه آوردن به نام خداوند، گام برداشتن در طریقه‌های حیات است (۲: ۱۹؛ ۵: ۶؛ ۱۰: ۱۷؛ ۱۴: ۲۷؛ ۱۹: ۲۳؛ مزامیر ۱۶: ۱۱)؛ طریقه‌های حیات، طریقه‌های درخت حیات هستند، که خدا خودش منشأ آن است (امثال ۳: ۱۳، ۱۸؛ ۱۱: ۳۰؛ ۱۳: ۱۲؛ ۱۵: ۴).

ب. ترس از خداوند به حیات منجر می‌شود، همان راه باریک (راه تعدادی اندک، نه راه اکثریت) که به حیات منتهی می‌شود؛ طریقه‌های حیات برای این است که ما در خدا زندگی کرده و بدین جهت حیات را لمس و کسب کنیم؛ این طریقه‌ها همان شاهراه‌هایی هستند که خدا در دل‌های ما نهاده تا از طریق آنها در خدا وارد شویم - ۱۹: ۲۳؛ متی ۷: ۱۳-۱۴؛ مزامیر ۸۴: ۵.

پ. راه‌های مرگ همان راه‌های درخت دانش خوب و بد است، که منشأ آن شیطان بوده و در نفس ما ظاهر می‌شود؛ زندگی کردن در نفس به معنای بدون حضور خدا بودن است، یعنی راه رفتن در تاریکی، و تهی بودن از حیات - امثال ۲: ۱۳؛ ۳: ۵-۷؛ ۱۴: ۱۲؛ ۱۶: ۲۵؛ افسسیان ۵: ۲، ۸-۹.

۶. خدا به ما، مردمش، وعده داد که ما را یک دل و یک طریق دهد تا به جهت خیریت خویش و خیریت فرزندانمان پس از ما، همیشه از او [خدا] بترسیم، و ترسِ خود را در دل‌های ما نهاد تا از او روی برنتابیم - ارمیا ۳۲: ۳۹-۴۰:

آ. ما، مردم برگزیدهٔ خدا، جملگی باید یک دل داشته باشیم - تا برای ابراز خداعاشق و جویای خدا باشیم، خدا را زیست کنیم، و با خدا ترکیب شویم - و یک راه - خود خدای سه‌یکتا به عنوان قانون درونی حیات با ظرفیت الهی آن - آ. ۳۹؛ ۳۱: ۳۳-۳۴؛ یوحنا ۱۴: ۱۴؛ آ. رومیان ۸: ۲.

ب. این یک دل [قلب] و یک راه همان یکدلی می‌باشد (اعمال ۱: ۱۴؛ ۲: ۴۶؛ ۴: ۲۴؛ رومیان ۱۵: ۶)؛ تفرقه، از دل داشتن برای چیزی غیر از مسیح و برگرفتن راهی غیر از مسیح ایجاد می‌شود.

پ. خدا عهدی جاودان بست، عهد جدید، توسط این عهد است که خدا از ما روی گردان نمی‌شود، و ترسِ خود را در دل‌های ما می‌نهد، تا از او روی برنتابیم - ارمیا ۳۲: ۴۰.

ت. وقتی از خدا بترسیم، خدا راه برگزیدهٔ خویش را بر ما خواهد نمود، و ما قادریم محرم اسرار و عهد او باشیم؛ فقط کسانی که از خدا بترسند می‌توانند مکاشفهٔ عهد او را دریافت کنند، و او اسرار مرحمانهٔ خود را تنها به ترسندگانش خواهد داد - مزامیر ۲۵: ۱۲، ۱۴.

۷. ترسِ خداوند و عشقِ خداوند دو نتیجهٔ شگفت‌انگیز از آمرزش گناهان ما هستند:

آ. آمرزیدن توسط خدا باعث نمی‌شود که انسان بی‌پروا و بی‌ملاحظه شود؛ فیضِ آمرزشِ خدا انسان را به ترسِ خداوند می‌آورد: «آمرزش نزد توست، / تا ترس تو در دل‌ها باشد» - ۱۳۰: ۴.

ب. فیضِ آمرزشِ خدا همچنین باعث می‌شود که ما عاشقِ خدا باشیم؛ دلیلی که آن زن گناهکار در لوقا خداوند را بسیار دوست می‌داشت این بود که بسیار توسط خداوند آمرزیده شده بود - لوقا ۷: ۳۹-۵۰.

پ. خداوند هر چه بیشتر ما را بی‌آمرزد، بیشتر از او خواهیم ترسید؛ و هر چه بیشتر از او بترسیم، بیشتر او را دوست خواهیم داشت؛ از جنبهٔ منفی، چون از او می‌ترسیم، از کارهایی که در نظر او ناخوشایند هستند اجتناب می‌کنیم؛ از جنبهٔ مثبت، چون او را دوست می‌داریم، کارهایی می‌کنیم که او را خشنود می‌کنند.

۸. امثال ۳۱ دو الگو از کسانی که خدا ترس هستند را به ما ارائه می‌دهد؛ از یک سو، ما باید همچون یک پادشاه باشیم، یک انسان شاهانه مثل خداوند، با اقتدار حاکمانه؛ از سوی دیگر، ما باید زنی [همسری] شایسته باشیم که می‌داند چگونه ترتیب دهد، مدیریت کند، مراقبت کند، و برای نیازهای مقدسین در خانه خدا فراهم نماید:

آ. امثال ۳۱: ۳ تا ۹ از یک پادشاه در حال سلطنت می‌گوید - کسی که شراب نمی‌نوشد ولی برای حقوق دیگران دهان گشوده و عادلانه داوری می‌کنند (نمادی از مسیح و پیروزمنداناش)؛ فقط این نوع شخص می‌تواند حکمرانی کند:

۱. خداوند ما کاملاً تحت محدودیت خدا بود؛ پس می‌توانست برای خدا حکم براند؛ اگر ما بتوانیم توسط خدا محدود شویم و بدین وسیله به نفسمان رسیدگی نماییم، قادر خواهیم بود که برای خدا حکم برانیم.

۲. در حکمرانی بر مردم، پادشاه اول می‌بایست کلام خدا را می‌آموخت و با آن حکم، فرمانروایی، و کنترل می‌شد؛ همین اصل باید در مورد ارشدان در کلیساها صدق کند - تثنیه ۱۷: ۱۴-۲۰:

(آ) برای اداره و مدیریت کلیساها، ارشدان باید با کلام مقدس خدا بازساخت شوند؛ در نتیجه، آنها تحت دولت، حکم و کنترل خدا خواهند بود.

(ب) سپس ناخودآگاه، خدا در تصمیمات آنها بوده و ارشدان به جهت مدیریت امور کلیسا، خدا را نمایندگی خواهند کرد؛ این نوع مدیریت، خدا سالاری است.

ب. امثال ۳۱: ۱۰ تا ۳۱ زنی شایسته را تشریح می‌کند - آن که حکیم، با پشتکار و با استعداد است و می‌تواند برای اهل خانه خود ترتیب داده، مدیریت و مهیا کند؛ «ارج او از یاقوت بس فزونتر است» (امثال ۳۱: ۱۰)؛ کارهای شایسته او بر همه پیشی گرفته (آ. ۲۹)؛ این زن یا همسر شایسته، نمادی از کلیسا و مقدسینی است که عاشق خداوند هستند:

۱. مشخصه اصلی یک زن شایسته این است که از خداوند می‌ترسد (او را با حرمت می‌پرستد، و با ترس و احترام از او اطاعت کرده، او را خدمت می‌کند و در او اعتماد می‌نماید)؛ «جذابیت فریبنده است و زیبایی زودگذر؛ / اما زنی را که از خداوند می‌ترسد، باید ستود» - آ. ۳۰.

۲. دل شوهر یک همسر شایسته بر وی اعتماد دارد؛ «در همه روزهای زندگی خویش / به شوهرش نیکویی خواهد کرد، نه بدی» (آ. ۱۲)؛ «شوهرش را در دروازه‌های شهر می‌شناسند، / و با مشایخ ولایت می‌نشینند» (آ. ۲۳).

۳. یک چنین همسر شایسته و دانا، از جانب خداوند، تاج سر شوهرش است (۱۲: ۴)؛ فرزندان و شوهرش برخاسته و او را مبارک می‌خوانند؛ شوهرش نیز او با گفتن این که او بر دیگران پیشی گرفته است، او را می‌ستاید (آ. ۲۹).

۴. یک شوهر باید بتواند با چشمان خود «زندگی پاک و خداترسانه» همسرش را ببیند؛ زیبایی او نباید در آرایش ظاهری، همچون گیسوان بافته و جواهرات و جامه‌های فاخر باشد، «بلکه در آن انسان باطنی باشد که آراسته به زیبایی ناپژمردنی روحی ملایم و آرام است، که در نظر خدا بس گرانبه‌است» - اول پطرس ۳: ۱-۴.

۵. در یک زندگی مناسب کلیسایی خواهان باید «پوششی شایسته بر تن کنند و خویشان را به نجابت و متانت بیاریند، نه به گیسوان بافته، یا طلا و مروارید، یا جامه‌های فاخر، بلکه به زبور اعمال نیکو آراسته باشند، چنانکه شایسته زانی است که مدعی خداپرستی اند»؛ خداپرستی، ترسی خدایی نسبت به خداست، حرمت و احترام خداست، چنانکه شایسته افراد خداپرست است - اول تیموتائوس ۲: ۹-۱۰.

۶. زنان مسن‌تر باید رفتاری محترمانه داشته باشند، یک شیوه زندگی محترمانه، «تا بتوانند زنان جوانتر را خرد بیاموزند که شوهردوست و فرزند دوست باشند و خویششندان و عقیف و کدبانو و مهربان و تسلیم شوهرشان، تا کلام خدا بد گفته نشود - تیتوس ۲: ۳-۵.

ب. از جنبه پیروزمند شدن، ما باید همچون یک پادشاه باشیم؛ از جنبه عشق به خداوند، ما باید همچون همسر شایسته باشیم؛ اگر اینچنین باشیم، این باعث می‌شود که در برابر خداوند دارای ارزش و جلال باشیم.